

برهم کنشی زبان و فرهنگ و نقش آن در آموزش زبان خارجی

وجیهه رضوانی^۱، مهدیه رضوانی^۲

۱- دکترای ادبیات و زبان روسی از دانشگاه تهران - عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا

۲- کارشناس ارشد جامعه شناسی - پژوهشگر و مدرس دانشگاه

چکیده

زبان به عنوان توانش ویژه انسان با پدیده فرهنگ درهم تنیدگی همیشگی دارند. زبان اصولاً پدیده ای اجتماعی است. ابزاری بنیادی برای فهم رفتار بشر است و با آن می توان در یافت که انسان ها، رویدادهای محیط زندگی شان می نگرند و آن ها را چگونه تحلیل و توصیف می کنند. بدون شک زبان و فرهنگ دو عنصر کلیدی یادگیری زبان خارجی محسوب می شوند. آموزش زبان بدون آشنایی با فرهنگ گویشوران آن تقریباً مانند موجود ناقص الخلقه ایست که اعضای بدنش در هماهنگی با هم کار نمی کنند، از سویی دیگر شناخت فرهنگ بدون آشنایی با زبان نیز به سختی میسر است. به طوری که می توان از ترجمه های موجود برای شناخت موضوعات مورد مطالعه بهره گرفت اما این مورد هم بدون کاستی نخواهد بود. در این نوشتار اهتمام داشته ایم علی رغم بررسی های دقیق و بجای پژوهشگران پیشین از جنبه های کمتر دیده شده به این موضوع پردازیم. از این رو در این مقاله به دنبال یافتن پاسخ این دغدغه بوده ایم که به چه نحوی درساختارهای مستقیم و غیرمستقیم دسترسی زبان آموز به محتوای درسی آموزشی با مولفه های فرهنگی مناسب است عمل کرد.

کلید واژه: فرهنگ، آموزش زبان خارجی، جامعه شناسی، زبان شناسی